



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه دکتری رشته فرهنگ و زبانهای باستانی ایران

عنوان رساله

مقایسه دستوری گویش مازندرانی (منطقه زارم رود) با
زبانهای ایرانی میانه غربی (فارسی میانه ، پهلوی اشکانی)

استاد راهنما

دکتر زهره زرشناس

اساتید مشاور

دکتر کتابون مزداپور

دکتر مصطفی عاصی

پژوهشگر

مهدی شاکری

شهریورماه 1389

سپاسگزاری

با سپاس از یزدان متعال بر خود لازم می دانم از خانم دکتر زهره زرشناس که راهنمای این پایان نامه را عهده دار بودند و در طول تحصیل و در تمامی مراحل این کار از راهنمایی و لطف ایشان بهره مند بوده ام و از اساتید مشاور آقای دکتر مصطفی عاصی و خانم دکتر کتایون مزداپور که از دیدگاهها و تذکرات سودمند آنها در تمامی مراحل نگارش پایان نامه استفاده کرده ام سپاسگزاری نمایم .

تقديم به

همسر و دخترم

چکیده

موضوع پایان نامه حاضر مقایسه دستوری زبانهای ایرانی میانه غربی (پهلوی اشکانی، فارسی میانه) با گویش مازندرانی و بررسی ارتباط و وجوه اشتراک و افتراق آنان، است. این پایان نامه شامل مقدمه و پنج فصل آواشناسی، صرف، نحو، نتیجه گیری و واژه نامه می باشد. در سه فصل اول به ترتیب وجوه اشتراک و افتراق این گویش با زبانهای ایرانی میانه غربی از نظر آواشناسی صرف و نحو مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل چهارم نتایج این مقایسه ذکر شده و در فصل پنجم نیز شماری از واژگان این گویش که از پیکره تحقیق گردآوری شده اند به صورت واژه نامه ذکر شده است. علیرغم فاصله زمانی و کاستی های موجود در شیوه مقایسه که بر مبنای صورت امروزی گویش با زبانهای ایرانی میانه غربی بوده است و با توجه به نتایج پایان نامه می توان چنین استنباط کرد که برخی از تشابهات موجود بین این گویش با زبانهای ایرانی میانه غربی بخاطر خاستگاه مشترک آنان به عنوان زبانهای ایرانی بوده و وجوه افتراق این گویش با زبانهای ایرانی میانه غربی بیانگر سیر تحول جداگانه این گویش از دوران کهن به دوران میانه و سپس به دوران جدید بوده است. بنا به گفته آنتونی آرلاتو زبانشناس آمریکایی، گویشهای محلی اغلب صورتهای زبانی دوره های میانه و باستانی را در خود ضبط می کنند، به طوری که می توانند در اثبات فرضیات زبانشناسی تاریخی درباره تحول زبان معیار نقش اساسی داشته باشند. بنابراین رساله حاضر شاید بتواند علیرغم کاستی های خود در این راستا مفید باشد و مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست مطالب

مقدمه

- 1.....یک (اهمیت بررسی گویش.....
- 1.....دو (هدفهای پژوهش.....
- 2.....سه (روش پژوهش.....
- 3.....چهار (محدودیت‌های تحقیق.....
- 4.....پنج (زمان و مکان انجام تحقیق.....
- 4.....شش (پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن.....
- 7.....هفت (مازندران.....
- 7.....الف (مشخصات طبیعی و تقسیمات استان مازندران.....
- 7.....1. آب و هوا.....
- 7.....آب و هوای معتدل و مرطوب جلگه ای.....
- 8.....آب و هوای کوهستانی.....
- 8.....2. مهمترین عوارض طبیعی استان مازندران.....
- 8.....ارتفاعات.....
- 8.....رود خانه ها.....
- 8.....دریای خزر.....
- 8.....جنگلها.....
- 8.....مراتع.....
- 8.....ب). اوضاع اقتصادی و اجتماعی.....
- 9.....ج). مختصر از باستان شناسی و تاریخ.....
- 12.....د). گویش مازندرانی و ادبیات آن.....
- 15.....هشت (سخنی کوتاه دربارهٔ زبانهای ایرانی.....
- 16.....الف (زبانهای ایرانی میانه.....
- 16.....1. زبانهای ایرانی میانه غربی (پارتی، فارسی میانه).....
- 16.....پارتی.....
- 17.....فارسی میانه.....

فصل اول آواشناسی

- 19.....آواشناسی.....
- 19.....1-1. کلیات.....
- 19.....2-1. بررسی و مقایسهٔ مصوت‌های ایرانی میانهٔ غربی با گویش مازندرانی.....
- 19.....1-2-1. مصوت‌های ایرانی میانهٔ غربی.....
- 19.....2-2-1. مصوت‌های گویش مازندرانی.....

- 20 3-2-1. رابطه مصوتها
- 26..... 3-1. مقایسه صامتهای ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 26..... 1-3-1. صامتهای ایرانی میانه غربی
- 27..... 2-3-1. صامتهای گویش مازندرانی
- 27..... 3-3-1. رابطه صامتها
- 36..... 4-1. گردش مصوتها
- 36..... 5-1. مقایسه تکیه در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 37..... 1-5-1. جایگاه تکیه در گویش مازندرانی

فصل دوم صرف

- 40 1-2. مقایسه اسم و صفت در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 40 1-1-2. مقایسه مقوله های اسمی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 1-1-1-2. مقایسه جامد و مشتق و مرکب و عبارت در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 41 1-1-1-2-الف. مقایسه جامد در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 42 1-1-1-2-ب. مقایسه مشتق در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 42..... 1-1-1-2-ب. مقایسه مشتق با پیشوند در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 46..... 1-1-1-2-ب. مقایسه مشتق با پسوند در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 54..... 1-1-1-2-ج. مقایسه مرکب و عبارت در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 55..... 2-1-1-2. مقایسه معرفه و نکره در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 56..... 3-1-1-2. مقایسه مفرد و جمع در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 2-1-2. مقایسه مضاف و مضاف الیه و صفت و موصوف در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 58..... 3-1-2. مقایسه منادا در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 59..... 4-1-2. مقایسه درجات صفت در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 61 2-2. مقایسه عدد در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 64..... 3-2. مقایسه ضمیر در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 70..... 4-2. مقایسه فعل در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 70 1-4-2. مقایسه ماده فعل در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 74..... 1-1-4-2. مقایسه ماده ماضی و مضارع در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 74..... 2-4-2. مقایسه فعلهای مضارع و ماضی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 79..... 3-4-2. مقایسه شناسه ها در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 81 4-4-2. مقایسه مشتقهای اسمی و صفتی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 5-4-2. مقایسه شناسه های نهی و نفی و استمرار و تاکید در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی
- 82..... مازندرانی

- 84.....مقایسه فعلهای کمکی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....6-4-2
- 85.....مقایسه پیشوند های فعلی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....7-4-2
- 86.....مقایسه فعلهای مرکب و عبارتهای فعلی در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....8-4-2
- 87.....مقایسه قید در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....5-2
- 88.....مقایسه حرف اضافه در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....6-2
- 93.....مقایسه حرف ربط در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....7-2
- 94.....مقایسه اصوات در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی.....8-2

فصل سوم نحو

- 98نحو.....

فصل چهارم نتیجه گیری

- 109.....1-4. نتیجه گیری فصل اول آواشناسی.....
- 109.....1-1-4. مصوتها.....
- 109.....2-1-4. صامتها.....
- 111.....3-1-4. گردش مصوتها.....
- 111.....4-1-4. تکیه.....
- 111.....2-4. نتیجه گیری فصل دوم صرف.....
- 111.....1-2-4. اسم و صفت.....
- 112.....2-2-4. عدد.....
- 112.....3-2-4. ضمیر.....
- 113.....4-2-4. فعل.....
- 114.....5-2-4. حرف اضافه.....
- 115.....6-2-4. حرف ربط.....
- 115.....7-2-4. اصوات.....
- 115.....3-4. نتیجه گیری فصل سوم نحو.....
- 117واژه نامه.....
- 156.....کتابنامه.....

فهرست جداول

فصل اول

- جدول 1-1. مصوت‌های ایرانی میانه غربی..... 19
- جدول 1-2. مصوت‌های گویش مازندرانی..... 19
- جدول 1-3. مقایسه مصوت‌ها بر اساس مشخصه کوتاهی و بلندی..... 20
- جدول 1-4. مصوت a میانه غربی در بسیاری از موارد برابر با e در گویش مازندرانی است..... 20
- جدول 1-5. وضعیت a آغازی..... 21
- جدول 1-6. ترکیب ab و af عموماً برابر با u/o است..... 21
- جدول 1-7. ترکیب ad در افعال برابر با u/o است..... 22
- جدول 1-8. مصوت ā قبل از m برابر با u/o است..... 22
- جدول 1-9. ā قبل از n برابر با u/o است..... 22
- جدول 1-10. ترکیب āb و āw اگر به دنبال آن مصوت نیامده باشد برابر با u/o است..... 23
- جدول 1-11. ترکیب āh در پایان واژه برابر با ā است..... 23
- جدول 1-12. مصوت i میانه غربی برابر با e و i است..... 23
- جدول 1-13. مصوت ē نیز که به صورت مصوتی بلند وجود داشته است با e و i برابر است..... 24
- جدول 1-14. مصوت u که به صورت کوتاه وجود داشته است در اکثر واژگان برابر با e است..... 24
- جدول 1-15. مصوت ū نیز که به صورت بلند وجود داشته است در اکثر واژگان برابر با i است..... 25
- جدول 1-16. مصوت ō که از جمله مصوت‌های بلند بوده است با a, u و i برابر است..... 25
- جدول 1-17. صامت‌های ایرانی میانه غربی..... 26
- جدول 1-18. صامت‌های گویش مازندرانی..... 27
- جدول 1-19. b آغازی در افعال عموماً برابر با v است..... 27
- جدول 1-20. b میان مصوت در برخی واژه‌ها برابر با v است و در مواردی حذف می‌شود..... 28
- جدول 1-21. b در جایگاه پایانی بعد از مصوت حذف می‌شود..... 28
- جدول 1-22. b در جایگاه پایانی بعد از صامت m حذف می‌شود..... 28
- جدول 1-23. صامت n در برخی واژگان بویژه در ماده افعال مختوم به n برابر با nd است..... 29
- جدول 1-24. صامت t بعد از s در مرز دو هجا برابر با خوشه صامت ss است..... 29
- جدول 1-25. صامت t در آخر برخی از واژگان بعد از s و š حذف می‌شود..... 29
- جدول 1-26. صامت d در جایگاه پس از مصوت..... 29
- جدول 1-27. صامت d میان دو مصوت در برخی واژه‌ها برابر با y است و یا حذف می‌شود..... 30
- جدول 1-28. وضعیت d ماضی ساز در گویش مازندرانی..... 30
- جدول 1-29. Idan - فارسی میانه برابر با iyen - در گویش مازندرانی است..... 31
- جدول 1-30. صامت g در آخر واژه بعد از مصوت حذف می‌شود..... 31
- جدول 1-31. وضعیت g آغازی..... 31
- جدول 1-32. صامت f بعد از a برابر با u/o است..... 32

- جدول 1-33. صامت f قبل از t و بعد از مصوّت در ماده‌های ماضی حذف می‌شود..... 32
- جدول 1-34. صامت x در جایگاه میانی در برخی از واژگان حذف می‌شود..... 32
- جدول 1-35. صامت x قبل از t در اکثر ماده‌های ماضی حذف می‌شود..... 32
- جدول 1-36. صامت h در جایگاه آغازی در چند واژه برابر با x است..... 33
- جدول 1-37. صامت h در موقعیت قبل و بعد از مصوّت در برخی از واژگان حذف می‌شود..... 33
- جدول 1-38. صامت ž/z..... 33
- جدول 1-39. z آغازی..... 34
- جدول 1-40. w آغازی در بسیاری از واژگان حفظ شده است..... 34
- جدول 1-41. در برخی از واژگان زنجیره آوایی wi برابر با bu /o یا vu /o است..... 35
- جدول 1-42. صامت r در برخی واژگان برابر با l است..... 35
- جدول 1-43. صامت xw فارسی میانه که در پهلوی اشکانی wx بوده است برابر با x است..... 35
- جدول 1-44. صامت y بعد از مصوّت..... 36

فصل دوم

- جدول 1-2. مقایسه مقوله‌های اسمی در میانه غربی و گویش مازندرانی..... 40
- جدول 2-2. مقایسه نامها (اسم - صفت) در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 41
- جدول 2-3. مقایسه پیشوند‌های ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی..... 45
- جدول 2-4. مقایسه پسوندهای ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی..... 52
- جدول 2-5. مقایسه معرفه و نکره در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 56
- جدول 2-6. مقایسه نشانه‌های جمع در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 57
- جدول 2-7. مقایسه مقوله‌های صفت در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 60
- جدول 2-8. مقایسه درجات صفت در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 60
- جدول 2-9. مقایسه اعداد در ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی..... 63
- جدول 2-10. جدول ضمائر شخصی منفصل ایرانی میانه غربی..... 64
- جدول 2-11. جدول صرف ضمائر شخصی منفصل همراه با ترکیب آن با پسواژه‌ها در گویش مازندرانی..... 68
- جدول 2-12. مقایسه ماده فعل در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 73
- جدول 2-13. صرف فعل *bexārden*: خوردن در گویش مازندرانی..... 75
- جدول 2-14. صرف فعل *bāuten*: گفتن در گویش مازندرانی..... 78
- جدول 2-15. مقایسه ساختهای فعلی از ماده‌های مضارع و ماضی در ایرانی میانه غربی و گویش مازندرانی..... 78
- جدول 2-16. شناسه‌های فعل مضارع اخباری در ایرانی میانه غربی..... 79
- جدول 2-17. شناسه‌های فعل امر در ایرانی میانه غربی..... 80
- جدول 2-18. شناسه‌های فعل مضارع التزامی در ایرانی میانه غربی..... 80
- جدول 2-19. شناسه‌های فعلی در گویش مازندرانی..... 81

جدول 2- 20 . مقایسه مشتق‌های اسمی و صفتی از ماده مضارع و ماضی در ایرانی میانه غربی و گویش

مازندرانی..... 81

جدول 2- 21 . حروف اضافه در ایرانی میانه غربی..... 89

جدول 2- 22 . حرف ربط در ایرانی میانه غربی..... 93

فصل سوم

3-1. جدول مقایسه نحو ایرانی میانه غربی با گویش مازندرانی..... 99

مقدمه

یک) اهمیت بررسی گویش

گویشها، شاخه هایی هستند که از یک زبان واحد منشعب شده اند ولی تفاوت های آوایی، واژگانی و ساختاری با هم دارند. برای مثال زبان ایرانی پیشین که از زبان های هندوایرانی_ که خود یکی از شاخه های زبان های هند و اروپایی است_ منشعب شده، در طول زمان به شاخه هایی مانند فارسی، کردی، بلوچی، گیلگی، مازندرانی و جز آن تقسیم شده است. هر یک از این شاخه ها را گویش می نامیم (کلباسی، 1388: 2). بنابراین گویشها یی که امروزه در نواحی مختلف ایران و نیز خارج از مرزهای آن رایج است، بازمانده یک زبان مشترک (ایرانی باستان) است که با بررسی آنها می توان به عنوان پشتوانه ای قوی برای غنای زبان فارسی و شناخت هر چه بیشتر میراث فرهنگی و هویت ملی بهره گرفت. امروزه با پیشرفت روز افزون تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی و راهیابی آنها، حتی در دورترین مناطق روستایی، بیشتر از هر زمانی، گویشها را در معرض نابودی قرار داده است. بنابراین برای رویارویی با هجوم واژه های بیگانه و انتخاب واژگان درست در معادل گزینی، انجام دادن هر چه سریعتر پژوهشهای علمی در راستای صیانت از این میراث گرانبهای فرهنگی ضروری بنظر می رسد. اهمیت دیگر بررسی گویشها را می توان در گردآوری و ثبت دستور زبان گویشها و واژگان آن دانست تا بدین گونه آنها را از خطر زوال و نابودی رهایی بخشید و برای نسلهای بعدی حفظ نمود و نیز از آنها در مقابل زبان رسمی حمایت کرد. همچنین از طریق بررسی گویشها می توان تا حد زیادی ابهامات مربوط به دستور و قرائت متون کهن را بر طرف ساخت و بسیاری از واژگانی را که فراموش گشته اند، دوباره احیاء نمود و سرانجام این که می توان بسیاری از رخداد های تاریخ محلی را که به طور شفاهی و سینه به سینه در میان مردم آن منطقه نقل شده و در حافظه آنها مانده است، روشن ساخت.

دو) هدف های پژوهش

تا کنون مقالات و کتابهای متعددی توسط پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی درباره گویش مازندرانی نوشته شده است هر کدام از آنها به نوبه خود بخشی از مقولات زبانی این گویش را در کار های خود مورد بررسی قرار داده و گام موثری را در راستای معرفی گویش و فرهنگ این منطقه برداشته اند. اما درباره موضوع پژوهش حاضر، یعنی مقایسه دستوری گویش مازندرانی با زبانهای ایرانی میانه غربی، تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. هدف این تحقیق، ارتباط این گویش و نیز بررسی وجوه اشتراک و یا افتراق آن با زبانهای ایرانی میانه غربی است. شاید بهتر بود که صورت میانه این گویش مبنای کار قرار می گرفت،

ولی این کار جز با ترجمهٔ تمامی آثار بجا مانده از این گویش، از جمله ترجمهٔ مقامات حریری و ترجمه های قرآن و نیز سایر نوشته های پراکنده که صورت کهن تر این گویش را نشان می دهند، میسر نیست. بنابراین، بناچار صورت امروزی گویش مبنای تحقیق قرار گرفته است و چون هدف تحقیق شناسایی گویش نبوده و فقط در جهت مقایسه صورت گرفته است، سعی شده است مثالهای ارائه شده در متن، در همان حد مثالهای ارائه شده برای ایرانی میانه غربی باشد و از هر گونه قضاوت تاریخی پرهیز شود.

سه) روش پژوهش

متناسب با موضوع تحقیق که مقایسه دستوری گویش مازندرانی با زبانهای ایرانی میانه غربی بوده است، برای گردآوری واژگان و نکات دستوری این گویش ابتدا مکان تحقیق، که بر اساس ویژگیهای جغرافیایی و دور بودن از منطقه شهری بهتر می توانسته است خصیصه گویشی را منعکس کند، انتخاب شده است و سپس علاوه بر اطلاعات نگارنده به عنوان گویشور، کتاب "راهنمای گردآوری گویش" نوشته صادق کیا (1340) و "راهنمای گردآوری گویشهای ایرانی" ایران کلباسی (1376) برای گردآوری واژگان و نکات دستوری به عنوان پایه و روش کار در نظر گرفته شده و مواد خام مورد نظر برای تحقیق گردآوری شده است. سعی نگارنده بر آن بوده تا آنجا که ممکن است، گویشوران تحت تاثیر زبان فارسی قرار ننگرفته و معادل واژگان به صورت غیر مستقیم پرسیده و ضبط شود. به عنوان مثال، در هر فرصتی که دست داده با گویشوران به قدم زدن پرداخته و اسامی گیاهان، درختان و نیز انواع حیوانات در رنگها و سنین مختلف و وسایل مورد مصرف از قبیل ظروف گلی و ابزار آلات کشاورزی و غیره را که در گویش مردم منطقه وجود داشته با اشاره و یا از طریق جملات پرسشی از آنها پرسیده و ضبط کرده است. همچنین علاوه بر گردآوری واژگان طبیعی، بسیاری از واژگان نیز در قالب ضرب المثل و شعر و داستان و خاطرات که از گویشوران نقل شده، گردآوری شده اند. لازم به ذکر است که چون نگارنده با این گویش آشنایی کامل داشته است و خود گویشور محسوب می شود برای پرهیز از خستگی و کم حوصلگی افراد از اشخاص خاصی به عنوان گویشور استفاده نکرده است و از هر فرصتی که دست داده از افراد متعدد و در عین حال مناسب برای ضبط و گردآوری مواد خام جهت تحقیق استفاده کرده است. پس از اتمام کار و گردآوری مواد زبانی، واژگان و نکات دستوری، از ضبط استخراج شده و مورد استفاده قرار گرفته اند. علاوه بر مطالبی که از طریق میدانی گردآوری شده اند نگارنده از مقالات و کتاب هایی که در زمینه این گویش نوشته شده به ویژه کتاب "گویش ساری" گیتی شکری (1374) برای نکات دستوری بهره گرفته است. برای زبانهای ایرانی میانه غربی نیز کتاب "دستور تاریخی زبان فارسی" محسن ابوالقاسمی (1375)، برای مقایسه دستوری و شیوه مکنزی (1971) برای

واج نویسی فارسی میانه و مری بویس (1977) برای پهلوی اشکانی به عنوان مبنای کار مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیق در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول از لحاظ آواشناسی گویش مازندرانی با زبانهای ایرانی میانه غربی مقایسه شده است. در فصل دوم ویژگیهای صرفی هر کدام ارائه و بررسی شده اند. در فصل سوم خصوصیات نحوی مطالب ارائه شده در فصل صرف، به طور خلاصه در جدول مقایسه شده اند. در فصل چهارم نتایج مباحثی که در فصول قبل ارائه شده اند بررسی و نکات اشتراک و افتراق این گویش با ایرانی میانه غربی ذکر شده است. در فصل پنجم برای آشنایی بیشتر با این گویش، برخی از واژه هایی که هنگام تحقیق گردآوری شده و دارای خصیصه گویشی می باشند، ارائه شده اند.

چهار) محدودیتهای تحقیق

به طور کلی، محدودیتهای تحقیق را می توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول مربوط به تحقیقات میدانی و بخش دیگر مربوط به موضوع تحقیق بوده است. مشکلات مربوط به تحقیقات میدانی را می توان به طور خلاصه چنین بر شمرد. دور بودن مکان تحقیق از منطقه شهری و عدم امکان رفت و آمد و نیز محدودیت زمانی برای گرد آوری مواد زبانی از مشکلات اولیه کار بوده است. مشکل دیگر در برقراری ارتباط با افراد بوده است بویژه آنکه زنان بخاطر محدودیتهای فرهنگی از ضبط صدایشان اکثراً پرهیز کرده و آن را ناپسند می دانستند و ارتباط با مردان نیز به خاطر خستگی و یا کم حوصلگی آنان تا حدی دشوار بوده است. البته گویشور بودن نگارنده تا حد زیادی این مشکل را رفع کرده است و با برقراری ارتباط با افراد مختلف توانسته مواد زبانی را برای تحقیق فراهم کند. مشکل دیگر گرد آوری واژگان در محیط طبیعی گویشوران بوده که نگارنده سعی کرده است تا با افرادی که حوصله بیشتری داشته اند در طبیعت به قدم زدن پرداخته و معادل واژگان را به صورت غیر مستقیم و با گویش محلی از آنها پرسیده و ضبط کند و بالاخره تاثیر زبان فارسی در تلفظ گویشوران از دیگر مشکلات بوده که برای رفع آن نگارنده سعی کرده است تا از افراد بی سواد و کم سواد و نیز افرادی که به خاطر موقعیت شغلی خود همواره در محل سکونت داشته اند، استفاده کند. از مشکلات مربوط به موضوع تحقیق نیز می توان به فاصله زمانی بین گویش مازندرانی و زبانهای ایرانی میانه غربی اشاره کرد. بدیهی است که مقایسه دستوری زبانهایی که به دو دوره تاریخی تعلق دارند دشوارتر از مقایسه بین دو زبان هم عصر است، بویژه آنکه تاثیر پذیری گویش مازندرانی از زبان فارسی تا حد زیادی بر مشکلات افزوده است؛ به عنوان مثال در فصل آواشناسی تبدیل ٚ میانی و [آغازی و میانی ایرانی باستان در بسیاری از واژه هایی، که در متون کهن طبری از جمله ترجمه مقامات حریری و ترجمه های قرآن به این گویش

شواهد بسیاری از آن یافت می شود، مانند rwj (روز) tyjy' (تیزی) sj'w'r (سزاوار) nm'j (نماز) و غیره، و این ویژگی حتی در سروده های طبری نیما یوشیج نیز تا حد زیادی وجود داشته است، امروزه در بسیاری از موارد تحت تاثیر زبان فارسی به صورت Z تلفظ می شود و یا، تلفظ واژگانی مانند خدا، خداوند و ماده که با تحول d میان واکه ای به y، به صورت xy'، xy'wnd و m'yh در متون کهن طبری به چشم می خورده است. تاثیراتی این چنین باعث شده تا در مقایسه، قوانین آوایی این گویش به سطح گرایش تنزل یابد. در موارد مربوط به صرف و نحو واژه هایی نیز، این تاثیرات تا حد زیادی به چشم می خورد. مشکل دیگر در ارتباط با کمبود منابع در زمینه دستور گویش مازندرانی است. اکثر کارهای صورت گرفته مربوط به حوزه فرهنگ و واژه هایی در این گویش است و کمتر به دستور آن به طور کامل پرداخته شده است. با توجه به این مشکلات و نیز تازگی موضوع تحقیق که برای نخستین بار صورت گرفته، کار مقایسه دشوارتر شده است و جای بحث و اختلاف نظر در آن باقی می ماند.

پنج) زمان و مکان انجام تحقیق

گردآوری مواد زبانی برای انجام این تحقیق در تیر ماه 1388 در روستای سید خیل صورت گرفته است. این روستا جزء دهستان زارم رود بخش هزار جریب است و در هفتاد و سه کیلومتری شهرستان نکا قرار دارد و بر اساس ویژگیهای جغرافیایی و دور بودن از منطقه شهری، مکانی مناسب برای انجام تحقیق بوده است. جمعیت این روستا حدود پنجاه خانوار است که شمار آنها در زمستان کمتر و در تابستان بیشتر است. روستاهای اطراف آن عبارتند از: آکرد، ارم، چناربن، برما، فریمک و غیره. از لحاظ آب و هوایی این روستا در منطقه سرد و کوهستانی قرار دارد و در زمستان سراسر این منطقه پوشیده از برف می گردد و رفت و آمد در آن به سختی انجام می شود. رودخانه نسبتاً بزرگ زارم از کنار آن می گذرد و به رودخانه تجن می ریزد و حدود هشت الی نه چشمه در گوشه و کنار این روستا به چشم می خورد. پوشش گیاهی این روستا بسیار متنوع است و جنگلهای اطراف آن زیست گاه حیوانات و پرندگان مختلفی است. پیشه مردمانش کشاورزی و دامپروری است و فراورده های کشاورزی آن شامل گندم، جو، ارزن، کنف، آفتابگردان، سویا، لوبیا و غیره است و برای خانه سازی بیشتر از خشت، چوب و نی استفاده می شود.

شش) پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن

تا کنون کارهای متعددی در ارتباط با مقایسه بین زبانها صورت گرفته است. برخی از آنها عبارتند از: مقایسه گونه های زبانی بافتی و جیرفت، بررسی تطبیقی ساخت واژه در زبان انگلیسی و فارسی،

مقایسه نظام آوایی زبانهای کردی و انگلیسی، مقایسه دستوری فارسی میانه و گویش بندر عباس، سنجش آوایی و معنای واژه های فارسی میانه و فارسی دری، مقایسه دستوری فارسی میانه با زبان کردی، مقایسه زبان بلوچی با زبانهای ایران باستان (فهرست موضوعی پایان نامه های...، 1388). در ارتباط با گویش مازندرانی نیز، تا کنون تحقیقات زیادی صورت گرفته است. گملین¹ در شمار نخستین دانشمندان اروپایی است که گزارشی درباره "گویشهای کناره جنوبی دریای خزر" منتشر نموده است. خوجکو²، کتابی به نام "نمونه شعر های عامیانه ایران"³ یا ترجمه انگلیسی در سال 1842 در لندن به چاپ رسیده است. نمونه ای که این دانشمند از گویش مازندرانی به دست داده پر از غلط است. دارن⁴ خاورشناس روس دیوان امیر پازواری را در 1860 و 1866 در دو جلد در سن - پترزبورگ به چاپ رسانید، ترجمه های او پر از لغات فارسی و اغلب غلط و گنگ است. ملگانف⁵ در رساله ای درباره گویش مازندران و گیلان⁶ "چند واژه طبری با ترجمه آورده که مختصر و آمیخته با غلط است. گیگر⁷، زبانشناس آلمانی مقاله ای به نام "گویشهای کناره خزر"⁸ دارد که مفصل است و با دقت انجام گرفته است اما برای روزگار ما کامل نیست. دومرگان⁹ در جلد پنجم کتابش¹⁰ قسمتی در بررسی گویشهای گیلکی و مازندرانی و سمنانی دارد، ولی متنهای طبری که او در این کتاب آورده به سبک سخن گفتن و نوشتن فارسی است و در واژگان و جمله های طبری او غلط دیده می شود. لمتن¹¹ در کتابی که بنام سه لهجه ایرانی¹² در سال 1938 در لندن به چاپ رسانده از گویش ولاترو و چند ده نزدیک آن که از دهات باختری مازندران هستند جمله ها و واژه هایی آورده است که هم در جمله ها و واژه ها و هم در ترجمه انگلیسی آنها غلط دیده می شود. تتسونائواتا¹³ در کتاب کوچک مازندرانی¹⁴ که توسط موسسه مطالعات زبان و فرهنگهای آسیا و آفریقا در توکیو به چاپ رسیده است بیشتر به ویژگیهای صرفی این گویش پرداخته است. با بررسی کتاب می توان دریافت که گویشور آن بر خلاف نظر نویسنده نمی

-
- 1- Gmelin
 - 2- Chodzko
 - 3-specimen of popular poetry of persia
 - 4- Bernhard doren
 - 5- Melgounof
 - 6- Essai sur les dialects du Mazandaran et de Ghilan(ZDMG 1868)
 - 7-W.GEIGER
 - 8-Die.kaspischen Dialekte
 - 9- J.demorgan
 - 10- Mission scientifique en perse
 - 11- A.K.S.lambton
 - 12-Three Persian Dialects
 - 13- Tetsuo nawata
 - 14-Mazandarani

تواند از اهالی ساری باشد. کتاب مذکور توسط گیتی شکری در مجله فرهنگ شماره 13 معرفی شده است. ایران شناسان اتحاد جماهیر شوروی (سابق) ساکالووا¹ زاویالووا² و پاخالینا³ نیز در این زمینه مطالعاتی انجام داده اند که متأسفانه این کتابها فاقد آواشناسی بوده و به زبان فارسی نیز ترجمه نشده اند (کیا، 1327 : 21-23 : شکری، 1374 : 26-27). پیرلوکوک فرانسوی نیز در کتاب راهنمای زبانهای ایرانی چند صفحه ای دربارهٔ دستور گویش مازندرانی نوشته است (1383 : 505 - 503). از محققین ایرانی صادق کیا با کتابهای واژه نامه طبری و گرگانی که در سالهای 1316 و 1330 به چاپ رسیده است برخی از واژگان این گویش را مورد بررسی قرار داده است. منوچهر ستوده محقق دیگر ایرانی با چاپ مقالات و کتابهایی مانند مقاله "امثال فیروزکوهی" (1343 : 243 - 272). کتاب فرهنگ سمنانی، سرخه ای، لاسگردی، سنگسری، شه میرزادی (1356)، کتاب فرهنگ گیلکی (1332) و مقاله "لهجهٔ علی آباد فریم" (1341 : 437 - 470) سهم زیادی در شناساندن گویشهای این منطقه داشته است، اسماعیل مهجوری نیز در کارهای خود، مانند فرهنگ مازندرانی و مثلها و ترانه ها، نکات دستوری و واژه نامه (1345) فرهنگ و گویش منطقه را مورد بررسی قرار داده است. فخرالدین سورتیچی نیز مقالاتی در این زمینه نوشته و رسالهٔ تحصیلی ایشان در مورد "وندهای مازندرانی در گویش ساری" است. کاظم گل‌باباپور نیز مطالعاتی در این زمینه داشته است، از جمله تجدید چاپ دیوان امیر پازواری که متأسفانه به جز مقدمه، بقیه از روی کتاب دارن افست شده است. نصرالله هومند نیز با چاپ کتاب پژوهشی در زبان تبری (1369) و محمد باقر نجف زاده بارفروش با کتاب واژه نامه مازندرانی (1368) تلاش جدیدی را آغاز نموده اند. در کتاب اول تلاش شده است تا با رعایت اصول و قوانین زبانشناسی تحقیق انجام شود که بسیار مختصر و ایرادهایی بر آن وارد است. کتاب دوم فقط واژه نامه است و واژه های گویش مازندرانی را به صورت عام در نظر گرفته است (شکری، 1374 : 27 - 26).

گیتی شکری با نوشتن مقالات و کتابهای متعدد چون گویش ساری (1374) گویش رامسری (1385) واژه نامه و واژه های کنزالاسرار مازندرانی (1387) و غیره گامهای مهمی را در شناسایی گویش این منطقه برداشته است. کارهای او مطابق اصول و قوانین زبانشناسی نوشته شده و تلاش او در زمینهٔ آواشناسی و دستور این گویش ستودنی است.

بهروز مجیبی در کتاب فرهنگ واژگان طبری، جلد پنجم، تقسیم بندی افعال را در گویش شاهی (فائم شهر و سواد کوه) مورد بررسی قرار داده است (1381 : 2675 - 2593). نیز از جدیدترین کارها که بسیار

1- V.S.Sokolova
2- V.I.Zaviyalova
3- I.N.Pakhalina

پر اهمیت است، مقاله ترجمه طبری مقامات حریری، تالیف فضل الله پاکزاد است که با توصیف مختصر دستور گویش قدیم طبری در مجله زبان شناسی، شماره دوم به چاپ رسیده است که اولین گام در بررسی دستور و واژگان قدیم این گویش است (1384: 152 - 125). و بالاخره آخرین کاری که در این راستا انجام شده است، انتشار فرهنگ واژگان طبری در پنج جلد، کار گروه مولفان زیر نظر جهانگیر اشرفی است که در سال 1381 به چاپ رسیده است (1381). تهیه این فرهنگ بیش از یک دهه وقت گرفته است و حدود سیصد نفر در تهیه و تکمیل آن شرکت داشته اند. ولی این مجموعه علیرغم تلاش بانیان آن به علت عدم استفاده از شیوه های علمی نیاز به بازبینی کلی دارد. در پایان لازم به ذکر است که تلاشهای این محققان که هر کدام گامهایی در زمینه شناخت این گویش برداشته اند قابل ستایش است. ولی از نظر ارتباط این گویش با زبانهای ایرانی میانه غربی تا کنون اثری منتشر نشده است و بدین لحاظ بررسی آن در میان پژوهشهایی که صورت گرفته است می تواند نو آورانه باشد.

هفت) مازندران

الف) مشخصات طبیعی و تقسیمات استان مازندران.

استان مازندران با مساحتی حدود $23756/4$ کیلومتر مربع، $14/6$ درصد مساحت کشور را در بر می گیرد. حد شمالی آن دریای خزر، حد جنوبی آن استانهای تهران و سمنان، حد غربی آن گیلان و حد شرقی آن استان گلستان است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال 1387، این استان دارای 17 شهرستان، 52 شهر، 45 بخش و 115 دهستان است. رشته اصلی سلسله جبال البرز مانند سدی در جنوب مازندران کشیده شده است و مانع ورود رطوبت دریای خزر به نواحی مرکزی ایران می گردد.

1. آب و هوا

آب و هوای معتدل و مرطوب جلگه ای:

جلگه غربی و بخشی از مناطق میانی استان دارای این نوع آب و هوا است، باران تقریباً در تمام سال با بیش از 1800 میلیمتر و با شدت بیشتر در فصل پاییز می بارد و خشکی ممتد در آن به چشم نمی خورد.

آب و هوای کوهستانی

در دامنه جنوبی و مرتفع البرز به دلیل وجود ارتفاعات، آب و هوای معتدل کوهستانی و در کوهستانهای بلند، آب و هوای سرد کوهستانی غالب است، اختلاف درجه حرارت، بیشتر از سایر نقاط استان بوده و روزهای یخبندان نیز در آن دیده می شود.

2. مهمترین ویژگیهای طبیعی استان مازندران

ارتفاعات

از نظر ناهمواریها استان مازندران به دو قسمت جلگه ای در شمال و کوهستانی در جنوب تقسیم شده و شیب ناهمواریهای آن از غرب به شرق به موازات دریای خزر است. رشته کوه البرز با رود های کوچک و بزرگی که در امتداد شمالی جنوبی آن جریان دارند به سه منطقه غربی، مرکزی و شرقی تقسیم شده است. منطقه غربی: شامل چین های موازی است که از دره سفید رود در غرب تا دره کرج و چالوس امتداد داشته و رشته کوه معروف آن تخت سلیمان است. منطقه مرکزی، وسیعترین قسمت کوهستانی البرز است که از دره چالوس تا دربند و بابل در شرق ادامه دارد. منطقه شرقی: از دره های دربند در غرب شروع می شود و به سمت شرق امتداد می یابد.

رود خانه ها

با توجه به ویژگیهای طبیعی، ارتفاعات و باران سالانه قابل توجه، رود خانه های بسیاری در استان جریان دارد که همگی به دریای خزر می ریزند.

دریای خزر

دریای خزر با وسعت حدود 438000 کیلومتر مربع، بزرگترین دریاچه جهان به شمار می رود. کهنترین نام این دریاچه " هیرکانی " و در نقشه ها و کتب خارجی " کاسپین " نامیده شده است. وجود دریای خزر نقش تعیین کننده ای در آب و هوای ساحل شمال ایران داشته است و زیباییهای بی نظیر مازندران به موجودیت و حفظ شرایط زیستی این دریا بستگی دارد.

جنگلها

مساحت جنگلهای مازندران 1107255 هکتار بر آورد شده که این جنگلها از درختان پهن برگ تشکیل یافته و از سایر جنگلهای ایران متمایز است.

مراتع

وسعت مراتع مازندران 584712 هکتار بر آورد شده است که از نظر جغرافیایی به سه منطقه بیلاقی، مراتع قشلاقی و مراتع میان بند تقسیم می شود. (سالنامه آماری مازندران، 1387: 5-3)

ب) اوضاع اقتصادی و اجتماعی

شغل بیشتر مردم مازندران کشاورزی، دامپروری و ماهیگیری است. صنایع دستی آن عبارت است از: بافتن فرش، چوخاب، گلیم، چادر شب، کلاه سبد، حصیر، جوراب پشمی و غیره، همینطور مصنوعات چوبی و گلی نیز ساخته می شود. معادن آن عبارت است از زغال سنگ، آهن، نمک، گچ، سنگ مرمر، نفت، طلا، سرب و غیره که بعضی از آنها مورد بهره برداری قرار گرفته است. کارخانه

های مهم آن عبارت است از: پارچه بافی، حریر بافی، برنج پاک کنی، پنبه پاک کنی، کارخانجات چای، چوب بری، روغنگیری، صابون پزی، کنسرو سازی، گونی بافی، شیر، فرش بافی، پلاستیک سازی، آب میوه گیری، ریخته گری فولاد و غیره، در مناطق روستایی برای خانه سازی بیشتر از خشت، چوب و نی استفاده می شود و برای پوشش سقف بیشتر از چوب، نی، کف، کتان و سفال بهره برده می شود (شایان، 1364: 16-17) جمعیت این استان حدود 2922432 است (اداره کل آمار عمومی - مرکز آمار ایران، 1387).

ج) مختصر از باستانشناسی و تاریخ

کرانه جنوبی دریای خزر بنا بر شواهد باستانشناسی زیستگاه انسانهای نئاندرتال در دوره پارینه سنگی بوده است. بررسی و حفاری غار کمر بند در 8 کیلومتری شهرستان بهشهر در سال 1949 میلادی و غار هوتو در فاصله یکصد متری آن در سال 1951 میلادی که هر دو توسط پروفیسور کارلتون انجام شده است حاکی از زیستگاه انسان دوره پارینه سنگی در 9500 ق.م در این منطقه است (شهمیرزادی، 1375: 98). در پی بررسیهای میدانی 1379 جهت شناسایی و ثبت محوطه های باستانی شرق استان مازندران، گوهر تپه در دو کیلومتری شمال غربی شهر رستم کلاه با توجه به گردآوری مجموعه عظیمی از آثار و شاخصهای فرهنگی در بخشهای گوناگون آن به عنوان بزرگترین استقرارگاه دوران برنز و آهن در حاشیه جنوبی دریای خزر شناخته شده است (ماهفروزی، 1384: 1). مازندران همیشه دارای مفهوم و گستردگی جغرافیایی و تاریخی امروزی نبوده است. نخستین اطلاعات ما از مردمان و منطقه جنوب دریای خزر از نوشته های بازمانده چند تن از جغرافی نگاران و تاریخ نویسان بیگانه به ویژه یونانی، مانند هرودوت و استرابون و گزنفون و بطلمیوس و پلوتارک و دیودور و آریان و کنت کورث به دست می آید. از لحاظ جغرافیایی، در نوشته های این نویسندگان نام واحدی بر همه یا بخشی از سرزمین مازندران (نام هایی مانند تپورستان، هیرکانیا و گرمانیا) نیامده است. ایشان به وصف جغرافیایی کوتاهی از این منطقه و بردن نام اقوامی که در آنجا و سرزمینهای پیوسته بدان می زیسته اند اکتفاء کرده اند. استرابون از آماردها و تپورها در کنار دیگر اقوام که در این منطقه زندگی می کردند، یاد کرده است (مهجوری، 1381: 19-20). این دو قوم کهن ترین اقوامی هستند که اکثر نویسندگان قدیم از آنها نام برده اند. ریشه واژه مازندران و تاریخ پیدایش و دگرگونی آن به درستی دانسته نیست. یاقوت حموی (626-575ه) نخستین مورخی که واژه مازندران را در نوشته های تاریخی به کار برده است می گوید که نشانی از آن در کتابهای پیشین نیافته و نمی داند که این واژه از چه زمانی به کار رفته است (همان، 22). برخی نیز معتقدند که این واژه پیش از اینکه در سده هفتم هجری جانشین نام کلاسیک تبرستان شود، گاهی به معنی بخش بزرگی از تبرستان و گاهی مترادف با آن به کار می رفته است (نک، رابینو، 1365: 22، 225-226، مهجوری، 1381: 32). درباره

وجه تسمیه تبرستان نیز اظهار نظر های مختلفی شده است. برخی آنرا محل زندگی اقوام تیور دانسته اند که در دوره ساسانی تیورستان و بعد تبرستان نامیده شده است، همچنانکه نام امل را نیز برگرفته از اقوام آمارد می دانند (رابینو، 1365: 10). بنا به قول مارکوارت در کتاب ایرانشهر (برلین 1901) نام تبرستان به یونانی تیپروی¹ و تیپروی² آمده و نویسندگان چینی در آثار خود آن را **tho-pa-ssetan** یا **tho-pa-sa-tan** نوشته اند. نخستین باری که در نوشته منسوب به روزگار پیش از اسلام در ایران به واژه تبرستان بر می خوریم در "نامه تنسر" است چنانکه معروف است، موبدموبدان اردشیر اول به شاه تبرستان "ماه جسنف" نوشته و او را "شاه پذیرخورگر و تبرستان و ..." خوانده است (مهجوری، 1381: 35).

مازندران علاوه بر آنکه از لحاظ طبیعی و جغرافیایی از سایر نقاط ایران متمایز است، از نظر اوضاع تاریخی نیز سرگذشت جداگانه ای دارد، در منابع تاریخی ذکر شده است که فرهاد اول، آماردها را در منطقه امل شکست داد و به شهر خارکس، نزدیک ری نیز کوچانید. ممکن است که تبرستان اصلی، جز حکومت گودرز اشکانی در هیرکانی (گرگان) بوده باشد. تنسر نیز در نامه خود ادعا می کند که در پایان حکومت اشکانیان این منطقه تحت فرمانروایی جسنف شاه بوده است. همزمان با ساسانیان سلسله های مختلفی در قسمت های کوهستانی و صعب العبور منطقه با عناوین خاصی حکومت می کردند. این سلسله ها به ترتیب عبارتند از: سلسله قارنیان یا سوخرائیان، سلسله باوندیان، سلسله دابویهیان یا گاوباران، سلسله پادوسبانان.

1. سلسله قارنیان یا سوخرائیان: این سلسله از قدیم الایام لقب "گر شاه" یعنی ملک الجبال به خود داده بودند و بعد ها به اصفهید یا اسپهید ملقب شدند و منسوب به سوخرا بودند. خسرو انوشیروان در سال پنجاهم پیش از هجرت، پس از کشتن برادرش کیوس که در آن هنگام فرمانروای تبرستان بود حکومت را به قارن پسر سوخرا واگذار کرد. محل حکومت آل قارن "کوه قارن" متصل به فیروزکوه بود، قارنیان یا سوخرائیان مدت 274 سال در کوهستان های تبرستان فرمانروایی کردند و با مرگ مازیار بن قارن در سال 224 هجری یعنی ربع قرن پیش از ظهور علویان تبرستان، حکومت این سلسله به پایان رسید.

2. سلسله باوندیان: اول کس از سلسله باوندیان که در تاریخ از او نام برده از شروین بن سرخاب است و جبال شروین در سر حد قومس، ماخوذ از نام اوست، آل باوند مدت چهار صد سال، از سال 45 تا 450 هجری در تبرستان فرمانروایی کردند. فرمانروایان این سلسله نیز نخست مانند قارنیان، لقب ملک الجبال و عنوان اسپهید داشتند. پس از سقوط ایران به دست عرب، مردم تبرستان باو را که

1-tapyroi

2-tapoyroi

فرزند شاهپور و نواده کیوس بود در سال چهارم هجری به اسپهبدی تبرستان برگزیدند و او جد خاندان آل باوند است، اولیاء اله آملی می گوید: از عهدا کاسره الی یومنا هذا هرگز مازندران از ملوک باوند خالی نبود و اگر چه از کسان خلیفه و سادات علویه و آل طاهر و آل سامان و ملوک دیالم و اتراک خوارزمشاهی و آل بویه و غیرهم را درین ولایت مدخل بود و تردد می کردند اما این ملوک پیوسته ثابت بوده اند. رابینو می گوید: سلطنت آنها در مازندران دیر زمانی شکوه و جلال بسیار داشت و با آنکه قسمت جلگه را از دست داده بودند اقتدار ایشان همواره کم و بیش در قسمت کوهستانی برقرار بود. این خاندان همواره مامن و پناهگاه مخالفین خلفاء و ملوک بود. سلسله آل باوند از آغاز تا زوال به سه شاخه تقسیم گردید. کیوسیه 45-397 ه ق . اسپهبدیه 466-606 ه ق. کینخواریه 635-750 ه ق.

3. آل دابویهان: آل دابویه یا گاوبارگان - آل دابویه یا گاوبارگان که از طریق پدر به جاماسب، برادر سوم قباد (پدر انوشیروان و کیوس) می پیوندند مدت صد و چهل سال در تبرستان حکومت داشتند بنیانگذار این سلسله جیل ابن جیلانشاه بود که فرمان حکومت تبرستان را از یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی و لقب گاوباره و گیل گیلان فرشواز جرشاه را از مردم آن نواحی گرفت. جیلانشاه دو پسر داشت: دابویه و بادوسپان. دابویه در گیلان به تخت نشست و با دوسپان به امارت رویان رسید.

4. سلسله پادوسپانیان. فرمانروایان این سلسله که از سال 45 تا 1005 هجری یعنی پیدایی شاه عباس کبیر بر رستمدر و رویان و نور و کجور امارت داشتند. در آغاز عنوان اسپهبد و سپس عنوان استندار و سرانجام عنوان ملک اختیار کردند. پادوسپانیان گاهی از امرای عرب، زمانی از علویان و وقتی از امرای خراسان اطاعت می کردند (حکیمیان، 1368: 4-1). هم زمان با سلسله های محلی، علویان نیز بر تبرستان حکومت می کردند. در سال 250 هجری حسن بن زید علوی، معروف به داعی کبیر سلسله سادات علوی را تشکیل داده و تا سال 316 هجری این سلسله در تبرستان حاکم بود. سادات حسینی نیز در 337-304 ه ق . در قسمتی از تبرستان حکومت می کردند. سادات مرعشی هم که از نسل میر قوام الدین مرعشی بودند در 760-880 ه ق. در مازندران حکومت کردند. در زمان مغولان استر آباد و آمل مهمترین بلد تبرستان بود. طغا تیمور آخرین نماینده سلسله مغولان ایران، در استر آباد سلطنت می کرد. در 1392 میلادی تیمور از میان جنگل های انبوه به مازندران حمله کرد و راهی از استر آباد به ساری باز کرد. تیمور پس از گشودن قلعه ساری عده کثیری از سادات مازندران را با کشتی از راه دریا و بعد از راه جیحون به خوارزم و سمرقند و تاشکند تبعید کرد. ظاهراً این اقدام به قول وی برای تنبیه رافضیان شیعه به عمل آمده است. بعد از مرگ تیمور، سادات تبرستانی با اجازه شاهرخ پسر او به مازندران بازگشتند و به عنوان امیران باجگزار تا اواخر قرن شانزدهم میلادی در آن

نواحی سلطنت می کردند، از آن به بعد مازندران به کلی به دست شاه عباس و پادشاهان صفویه افتاد. (مشکور، 1361: 25).

د) گویش مازندرانی و ادبیات آن

گویش مازندرانی، بازمانده یکی از جمله زبانهای کهن ایرانی و جزء شاخه شمال غربی آن است که امروزه در منطقه مازندران، واقع در بین کوههای البرز و کرانه های جنوب شرقی دریای خزر، مورد استفاده قرار می گیرد. این گویش در نقاط مختلف مازندران به علت تغییرات آوایی که در واژگان صورت گرفته، کمابیش دارای اختلافاتی است که دامنه آن از شرق به غرب و یا بالعکس، رو به فزونی گذارده ولی گویش مازندرانی را از صورت یک گویش در نمی آورد. امروز واژگان بسیاری از این گویش فراموش شده است و در میان مردم شهرنشین تا حد زیادی با زبان رسمی در آمیخته است ولی در میان مردمان کوه نشین هزارجریب به علت دور بودن از مراکز شهری تا حدی اصالت خود را حفظ نموده است. نویسندگان مسالک و ممالک در نخستین قرنهای اسلامی در ذیل گفتار دیلمان و تبرستان از این گویش یاد می کنند. ابو عبدالله مقدسی گوید "زبان کومش و گرگان به هم نزدیک است. ها بکار می برند می گویند هاده و هاکان و در آن شیرینی است و زبان تبرستان بدان نزدیک است جز آنکه در آن شتابزدگی است". از اینگونه نوشته ها پیداست که گویش تبری را در قرنهای نخستین اسلامی باز می شناختند و نزدیکی آنرا با گویشهای همسایه اش می دانستند. چون تبرستان پس از بر افتادن شاهنشاهی ساسانی مدتها از دایره نفوذ خلافت بیرون بوده و چندین قرن حکومتهای محلی داشته از معدود گویشهایی است که از سنت ادبی کهن برخوردار است. بازمانده های این گویش و نوشته های از دست رفته آن عبارتند از:

مرزبان نامه از اصفهبد مرزبان پسر رستم پسر شروین که در سده چهارم هجری نوشته شده، متن تبری آن از دست رفته و دو ترجمه از آن به فارسی بازمانده است.

نیکی نامه: دیوان شعر همین اسپهبد مرزبان پسر رستم. در تاریخ تبرستان (جلد 1، صفحه 137) از آن چنین یاد شده "و به نظم طبری او را دیوانی است که نیکی نامه می گویند دستور نظم طبرستان است."

نه بیت شعر از دیواره وز یا مسته مرد (تاریخ تبرستان جلد 1، ص 139).

دو بیت شعر از کیکاوس پسر اسکندر پسر قارن و شمگیر (سده پنجم) که در قابوسنامه (باب بیستم اندر آئین کارزار کردن) آمده است.

باوندنامه: تاریخ تبرستان به شعر تبری بوده است که در میانه سده های پنجم و ششم هجری گردآورده بودند.

شکره: در نوروز نامه خیام، نام این نوشته دیده می شود (-57)
دو بیت شعر از اصفهید خورشید پسر ابوالقاسم مامطیری (سده ششم)، در تاریخ تبرستان جلد 1،
ص 108 و تاریخ رویان، ص 97، برون ص 61).
یک بیت شعر از باربد جریر تبری (سده ششم) (تاریخ تبرستان جلد 1 ص 113، تاریخ رویان ص
14، تاریخ ظهیر الدین ص 65، برون ص 65).
دو بیت از گرده بازو، پسر اصفهید علاءالدوله شرف الملوک حسن (سده ششم) (تاریخ تبرستان
جلد 2، ص 115).

ترجمه ای از مقامات حریری به گویش تبری: یگانه نسخه این کتاب در کتابخانه ملی ملک در
تهرانست بقطع 28x20 سانتیمتر در 286 ورق. این ترجمه بزرگترین نوشته بازمانده تبری است و در
آن بسیاری از واژه های فراموش شده این گویش را می توان یافت (کیا، 1327: 13-9). تاریخ این
ترجمه را دکتر صادق کیا قرن ششم هجری حدس می زند. اما مقایسه دقیق تر این ترجمه با آثار
متاخرتری مانند ترجمه های قرآن به این گویش شاید حدس ایشان را تأیید نکند و نتوان تاریخی
قدیم تر از قرن نهم و دهم هجری برای آن قائل شد (پاکزاد، 1384: 125).

تاریخ تبرستان: در این کتاب یک عبارت و چند شعر نیز هست که نام گویندگان یا زمان زندگانی
ایشان روشن نیست. در صفحه 137 دو بیت از شاعری به نام معینی و یک بیت از یکی از
سرایندگان سده چهارم و در صفحه 132 تا 135 قصیده ملمعی از شاعری بنام قاضی هجیم که از
زمان و زندگانی او آگاهی نداریم. آنچه هدایت در جلد اول مجمع الفصحا درباره او نوشته از همین
تاریخ گرفته است. و در جلد دوم این تاریخ صفحه 97 یک بیت شعر از شاعران ساری (سده ششم).
در این تاریخ واژه های تبری دیده می شود که گاهی نویسنده آنها را معنی کرده است.

ترجیع بند قطب رویانی سراینده سده هفتم که در تاریخ رویان (ص 111) و تاریخ ظهیر الدین
(ص 86) دو بیت از آن و در ترجمه خلاصه تاریخ تبرستان از ادوارد براون نیز سه بند از آن آمده
است.

یک بیت از امیر علی نام سراینده سده هفتم که در تاریخ رویان صفحه 114 آمده است.
شش بیت شعر از کیا افراسیاب چلاوی (سده هشتم) که در تاریخ ظهیرالدین آورده شده است.
چهار بیت شهر از سید عبدالعظیم از دودمان علویان مازندران (سده نهم) که در تاریخ ظهیرالدین
صفحه 560 آمده است.

جملات و واژه های تبری که در کتاب تاریخ تبرستان و رویان مازندران نوشته ظهیرالدین مرعشی
(سده نهم) آمده است.